



راه کارهای اصلاح جامعه در سنت امامان شیعه با تاکید بر آگاهی بخشی و مسئول سازی

پدیدآورده (ها) : واسعی، سیدعلیرضا

تاریخ :: پژوهشنامه تاریخ تشیع :: تابستان 1396 - شماره 2 (علمی-پژوهشی)

از 57 تا 76

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1310641>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 26/07/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تالیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

راهکارهای اصلاح جامعه در سنت امامان شیعه با تأکید بر آگاهی‌بخشی و مسئول‌سازی

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

سید علیرضا واسعی^۱

۵۷

چکیده

امامان شیعه که در باور پیروانشان همچون پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، عهده‌دار رهبری امت و پیشوایی جامعه‌اند، برای اصلاح جامعه و مواجهه با ناهنجاری‌ها دست به اقداماتی زدند و با کاربست راه‌کارهایی متناسب با ضرورت‌های اجتماعی و اقتضائات زمانه به ایفای نقش رهبرانه پرداختند. این که اقدامات و راه‌کارهای اصلاحی آنان چه بود و از چه مسیرهایی پیش رفتند، پرسش اصلی مقاله است. فرضیه نویسنده این است که ائمه برای اصلاح جامعه بیش از هر چیز به اقدامات و فعالیت‌های فرهنگی - تربیتی، یعنی آگاه‌سازی امت و ایجاد حس مسئولیت در آنها اهتمام داشتند. این تحقیق مبتنی بر نظریه اسلام تمدنی است که با بهره‌گیری از سخنان امامان به تحلیل آنها بر اساس منابع اولیه پرداخته است. در این نگاه، همه امامان معصوم به منزله یک پیکره واحد قلمداد شده‌اند.

کلید واژه‌ها

سنت ائمه، اصلاح جامعه، آگاهی‌بخشی، مسئول‌سازی.

۱. دانشیار گروه هنر و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. vaseiali@yahoo.com

دریافت: ۹۶/۰۳/۲۹ پذیرش: ۹۶/۰۶/۳۰

مقدمه

انسان در قبال جامعه که بستر زندگی و به‌سان کشتی برای آدمیان است، مسئولیت دارد و باید در صدد اصلاح و سامان‌دهی هر چه بیشتر آن برآید تا هم محیط آرام و مناسبی برای خود و دیگران پدید آورد و هم زمینه پیشرفت و تعالی را فراهم سازد. پیشوایان مذهبی، به حکم مأموریت رهبرانه‌ای که بر دوش می‌کشند، بیش از دیگران مسئولیت دارند. ایشان برای اصلاح جامعه و مواجهه با آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها، راه‌کارهای مناسب و متناسبی را پیش گرفتند تا به سالم‌سازی افزون‌تر و ارزش‌مدار جامعه دست یابند، با این پیش‌فرض که آنان در این مسیر، بر اساس محاسبه‌های انسانی و متناسب با اقتضانات و ضرورت‌های زمانه عمل می‌کنند، نه مستند به دانش غیبی و امدادهای خاص الهی.

این که امامان شیعه برای اصلاح جامعه و رویارویی با ناهنجاری‌ها چه کرده‌اند و علل کنش‌ها و واکنش‌هایشان چه بوده، پرسش بنیادین و محوری این نوشتار است و پاسخ آن بر نگاه کل‌انگارانه و انسان‌واره^۱ به ائمه، استوار است. بر این مبنا، گفتارها و رفتارهای یک یا چند تن از امامان بر همه آنان قابل تعمیم است.

مسئله اصلی این مقاله با همه اهمیتی که در حیات شیعی دارد، کمتر به صورت استقلالی مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است، جز آن که در کتاب راهبردهای ائمه در مواجهه با ناهنجاری‌های اجتماعی (واسعی، ۲۳۹) نویسنده بخشی را به این مقوله اختصاص داده و مباحثی را مطرح ساخته است، همچنین در لابه‌لای برخی دیگر از نوشته‌ها نیز سرنخ‌هایی در این زمینه می‌توان یافت.

پیش از ورود به اصل بحث، یادکرد دو نکته مقدماتی که به زعم نویسنده در دریافت روش‌های اصلاحی اثرگذار است و نظریه اسلام تمدنی^۲ نیز بر آن استوار است، لازم به نظر می‌رسد؛ یکی توجه به ملاک برتری دین و نقش راهبران است و دیگر اعتنا به اصول حاکم بر راهبری ائمه.

۱. در باور شیعه، پیشوایان مذهبی به منزله پیکره واحد و با مأموریت همانندی، در طی دوپست و پنجاه سال وارد عمل شده و تابع ضرورت‌ها، نیازها و اقتضانات زمانه و جامعه فعالیت کردند. نک. صدر، اهل‌البیت؛ تنوع‌ادوار و وحدت‌هدف، و خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله.

۲. این نظریه بر آن است که دیانت اسلامی با رویکردی تمدن‌اندیشانه و تمدن‌سازانه باید مورد مطالعه قرار گیرد، یعنی دینی که از یک سو برای همه آدمیان است و از سوی دیگر همه نیازهای آدمیان را برآورده می‌سازد.

۱. ملاک برتری دین

درباره دین برتر سخنان بسیاری گفته شده، اما به استناد کلام نبوی، دینی را می‌توان برتر دانست که امکان زیست همراه با آرامش بیشترین آدمیان را در جامعه فراهم می‌آورد. بر اساس روایتی از ابن عباس، فردی از رسول خدا ﷺ پرسید محبوب‌ترین دین نزد خداوند کدام است؟ آن حضرت فرمود: الحنیفیه السمحه (ابن حنبل، ۱/ ۲۳۶؛ متقی هندی، ۷۳/۱) و در روایتی دیگر فرمود: من به دین سمحه سهله مبعوث شده‌ام (طوسی، ۵۲۸). رسول خدا با این بیان، آورده خود را که دارای شاخصه سمحه (با گذشت و بزرگواری) و سهله (آسان و آسان‌گیر) است،^۱ به عنوان برترین دین شناسانده است. پذیرش این معیار بدان معناست که آموزه‌های اسلامی، چه در حوزه فردی و چه اجتماعی باید با آن سنجیده شده و در صورت موافقت با آن پذیرفته شود. بی‌گمان آن حضرت و جانشینانش که در فرهنگ اعتقادی شیعه، امام منصوب از طرف خدا شمرده می‌شوند (کلینی، ۱/ ۲۶۸)، با همین رویکرد به اصلاح جامعه روی داشتند و راه‌کارهای معطوف به آن را پیشه می‌کردند؛ یعنی این بعد مسالمتی، سماحتی و تشویقی بود که بر کلان رفتار آنان غلبه داشت، نه خشونت، تنبیه و سخت‌گیری. به بیان دیگر راه‌کارهای آنان تمدن‌اندیشانه و به‌فراخور زمانه بود،^۲ چون خشونت و اجبار نمی‌تواند انتظام جامعه و صلاح آن را تضمین کند و در هر سطحی که باشد، منافی تمدن به‌شمار می‌آید (وایتهد، ۱/ ۲۲۵).

۲. اصول حاکم بر راهبری ائمه شیعه

امامان در باور شیعه، انسان‌هایی‌اند که هم نسبت به انسان و نیازهای پایه‌ای او آگاهی دارند، هم جامعه و اقتضائات آن را می‌شناسند و هم به حقیقت دیانت اشراف کامل دارند؛

۱. نویسنده عرب زبان از این تعبیر چنین فهم می‌کند: تساهل در مفهوم اسلامی اقتضا می‌کند که هر فردی از افراد ملت این حق را داشته‌باشد که به آن چه حق می‌داند معتقد باشد و مراسم و شعایر دینی‌اش را آن گونه که می‌خواهد آزادانه برگزار کند (نک. الکعبی، ۳۴-۳۵).

۲. وایتهد بر آن است که در جامعه متمدن، تشویق جای تنبیه می‌نشیند. وی می‌نویسد: ارزش انسان‌ها در گرو عامل تشویق و ترغیب است... تمدن با استفاده از عامل ترغیب و تشویق که ذاتی آن است به حفظ و نگهداری نظم اجتماعی می‌پردازد... استخدام زور، هر اندازه که در پاره‌ای موارد غیر قابل اجتناب بوده باشد، بیانگر شکست تمدن است، خواه این شکست در سطح کلی اجتماع باشد و خواه در سطح باقیمانده افراد جامعه بوده‌باشد (رک: وایتهد، ۱/ ۲۲۵).

بنابراین، در مواجهه با ناهنجاری‌ها و برای هدایت نابهنجاران، الزاما بهترین راه کارها را پیشه کرده از روش‌ها و الگوهای درستی بهره می‌برند، هر چند در مواردی خواسته‌های آنان محقق نمی‌شد، اما آنچه انجام داده‌اند، شایسته پژوهش، مذاقه و الگوگیری است.

اصل میانه‌روی و اعتدال در عمل را می‌توان مهم‌ترین عنصر حاکم بر تعامل آنان به-شمار آورد، چنان‌که خداوند در قرآن ویژگی پیروان پیامبر ﷺ را «امت وسط بودن» دانسته-است (بقره، ۱۴۳). امام علی علیه السلام نیز می‌گوید: "دو گروه درباره من به هلاکت خواهند رسید؛ آنان که به افراط در دوستی پیش رفتند و آنان که در دشمنی زیاده‌روی کردند"، سپس افزود: "بر شما باد راه میانه که بهترین راه است" (نهج البلاغه، کلام ۱۲۷). امام رضا علیه السلام نیز بر همین منوال سخن دارد و از مردم می‌خواهد تا راه میانه را که خود الگوی آن است دنبال کنند (صدوق، عیون اخبارالرضا، ۱/۲۷۲).

اصل در نظر داشتن ظرفیت آدمیان و فرصت دهی برای جبران و ملایمت با هم‌نوعان، دیگر عنصر مهم است. خداوند تکالیف شرعی را بر حسب توان آدمیان تشریح کرده (بقره، ۲۸۶ و ...) و از پیامبرش نیز خواسته‌است تا با مردمان با همین مبنا رفتار کند. بر پایه روایتی، پیامبر خود دچار وضعی شد تا بداند قضای یک واجب لزوماً به کوتاهی فرد پیوند نمی‌خورد، بلکه چه بسا امری خارج از توان او باشد، پس نباید به راحتی انسانی را از دایره ارزشی خارج دانست (حرانی، ۲/۲۳۵). امام علی علیه السلام نیز در نامه به مالک اشتر بر اغماض و چشم‌پوشی از کوتاهی مردم تأکید می‌کند و از او می‌خواهد تا مهربانانه با دیگران رفتار کند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

اصل اعتنا به زندگی دنیا و پرداختن به آن نیز، از اهمیت بالا بهره‌دار است، چنان‌که زندگی پیشوایان به آن گواهی می‌دهد. در تفکر اسلامی دنیا و اهتمام به آن دارای اصالت است، چون همین زندگی دنیایی است که آخرت او را می‌سازد، چنان‌که قرآن تصریح کرده که هر که از این دنیا بهره ندارد، در آخرت نیز بی‌بهره خواهد بود (اسراء، ۷۲). در زبان پیشوایان دین نیز دنیا دارای اهمیت است و آنان در تربیت و اصلاح جامعه به حق زیست انسانی توجه داشته‌اند (بیضون، ۸۸۶).

دیگر اصل بنیادینی که مد نظر پیشوایان دین بوده اصل ارزش جماعت و صیانت از آن است، چه به اعتبار نقش معرفتی آن، چنان‌که اکثریت عامه به آن باور داشتند، چه به اعتبار

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۶۰

نقش مقدمی که بستر نگهداری اساس دیانت است.^۱ این اصل در اقدام راهبرانه امامان به-
مثابه محور اصلی مد نظر بوده است. امام علی علیه السلام در کلامی مسلمانان را به همراهی با
جماعت می خواند و تأکید می کند که جدا مانده از جمع نصیب شیطان می شود، چنان که
گوسفند بازمانده از گله گرفتار چنگ گرگ می گردد. نیز فرموده است: ید الله مع الجماعه
(نهج البلاغه، کلام ۱۲۷) و در جای دیگر می گوید هیچ کس از جدایی خیری ندیده است
(نهج البلاغه، کلام ۱۷۶).

پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۶۱

اختیار نسبی انسان و حق اراده گری نیز از عناصر مهم مورد توجه امامان است^۲ که کسی
نمی تواند به هیچ بهانه ای آن را از آدمی سلب نماید. به استناد همین اصل، تربیت و اصلاح
معنا پیدا می کند. بنابراین اصلاح جامعه در مکتب ائمه، مبتنی بر این اصول است، با
راهکارهایی که به اقتضای زمانه و ضرورت ها متفاوت بوده است.

ناهنجاری های جامعه انسانی

ناهنجاری های اجتماعی در دو طبقه متمایز از هم قابل دسته بندی اند؛ مواردی که با
هنجارهای دینی و مذهبی تعریف می شوند (تعیینی)، به این معنا که با وضع قانون یا تشریح
دیانت الزامی می شوند و با گذشت زمان سنتی مقبول همگان به مثابه معیار سنجه رفتار
قلمداد می شوند؛ دیگر رفتارهایی که با هنجارهای اجتماعی شناسایی می گردند (تعیینی)؛
یعنی آنچه در گذر زمان و تابع نیازهای بشری، وضعیت همه پذیر یافته هنجار شمرده
می شوند، مثل بسیاری از آیین ها، سنت های اجتماعی و آداب رفتاری مقبول جوامع. بر
دسته اول امور شرعی و بر دسته دوم امور عرفی اطلاق و تخلف از هر یک از آنها،
ناهنجاری قلمداد می گردد و فرد متخلف نابهنجار خوانده می شود.

این که چگونه می توان جامعه ای را اصلاح کرد، امری پیچیده است و پیچیده تر از آن،
شناخت الگوهای کارآمدی است که در حیات ائمه علیهم السلام تجربه شده است. به زعم این

۱. در باور اهل سنت، اجتماع امت بر یک امری نشان حقانیت آن به شمار می رود (اصل اجماع که معرفتی است)، اما در میان
شیعه چنین باوری وجود ندارد، جز این که اعتنای به جماعت و اجتماع برای بقا و دوام دین لازم است، پس ارزش مقدمی می-
یابد.

۲. این دیدگاه نقطه مقابل دو دیدگاه افراطی و تفریطی معتزلیان و اشاعره قرار دارد و بر اساس امر بین امرین استوار است (رک:
صدوق، الهدایه، ۱۸).

نوشتار، آنان در اصلاح جامعه، بیش از هر چیز بر آگاهی بخشی و مسئول سازی مخاطبان تأکید داشته می‌کوشیدند تا در جامعه انسانی، مردمی آگاه، مسئول و خردمند به بار آیند و همین نقطه تمایز آنان با دیگر آدمیان صاحب نفوذ یا حاکمان است؛ چرا که پیشوایان دینی، رهبری خود را در بیداری و پیروی آگاهانه مردم می‌جویند؛ در حالی که حاکمان بیش از هر چیزی بر تبعیت و فرمان برداری بی چون و چرای مردم که با ناآگاهی و جهالت مردم امکان پذیرتر است، پافشاری دارند. راهبردهای ائمه بر این اساس، چنین‌اند:

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۶۲

۱. خود اصلاح‌گری پیش از دیگرسازی (آغاز از خویشتن)

شاید بتوان مهم‌ترین آموزه تربیتی مکتب امامت را در «آغاز تربیت از خویشتن پیش از پرداختن به دیگران» برشمرد. نگاهی به داده‌های حدیثی و تاریخی نشان می‌دهد پیشوایان مذهبی شیعه پیش از آن که دیگران را به امری فراخوانند، خود به آن عمل می‌کردند، چنان که قرآن فرموده چیزی را خود به آن عمل نمی‌کنید، بر زبان نرانید (الصف، ۲). امام علی علیه السلام نیز فرمود: آن که خود را پیشوای مردم سازد پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش پردازد و پیش از آن که به گفتار تعلیم فرماید باید به کردار ادب نماید، و آن که خود را تعلیم دهد و ادب اندوزد، شایسته‌تر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد (نهج البلاغه، حکمت ۷۳) و نیز فرمود: مردم! به خدا قسم! شما را به چیزی دعوت نمی‌کنم جز آن که پیش از شما بدان عمل کرده‌ام و از چیزی بازتان نمی‌دارم، مگر آن که خود از آن پرهیز کرده‌ام (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵). امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: کونوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ، لِيَرَوْا مِنْكُمْ اَلْوَرَعَ وَاَلِاجْتِهَادَ وَاَلصَّلَاةَ وَاَلخَيْرَ، فَاِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ؛ مردم را به غیر زبانتان فراخوانید تا پارسایی، اجتهاد، نماز و نیکی را در شما ببینند و این بهترین فراخواننده است (کلینی، ۷۸/۲). همچنین فرمود: مردم را با اعمالتان دعوت کنید نه با زبانتان (مجلسی، ۱۹۸/۵).

۲. امر به معروف و نهی از منکر

حساسیت در مقابل کژی‌ها (منکرات) و احساس مسئولیت در ترویج ارزش‌های اجتماعی (معروف‌ها) یا امر به معروف و نهی از منکر که نقطه مقابل اصلاح دستوری جامعه

قرار دارد، در سیره پیشوایان قابل پی‌جویی است. در محاورات فرهنگی-دینی امروزیان، عموماً این عنصر برابر با واداری به واجبات و بازداری از محرّمات یکی انگاشته می‌شود، در حالی که به نظر می‌رسد این دو با هم تفاوتی بنیادی دارند. امر و ترغیب به واجبات یا نهی و بازداری از محرّمات از امور دینی، وظایف شرعی و دارای حکم‌های مشخص‌اند، در حالی که امر به معروف و نهی از منکر از امور عقلی و الزامات زندگی اجتماعی است که در زندگی اجتماعی آدمیان معنا می‌یابد، و طبعاً حکمی دینی اگر هویتی اجتماعی و مقبولیتی عرفی بیابد مشمول این اصل خواهد شد، نه از آن حیث که مقوله‌ای دینی است، بلکه از آن جهت که هنجاری اجتماعی شده‌است. قرار گرفتن این اصل در کنار اصولی دیگر چون نماز، روزه، خمس، زکات و جهاد و دیگر امور شرعی، به عنوان قسیم آنها با همین رویکرد موجه می‌نماید و طبعاً نمی‌تواند خود حاوی آنها باشد، جز آن که در حوزه تعامل با دیگران قرار گرفته و امری اجتماعی گردد. به تعبیر مستشرق سوئیسی، مارسل بوزار:^۱ آیین اسلام بر اساس قرآن مجید، مؤمن را کسی توصیف می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر می‌نماید. اسلام اصل لزوم زندگی اجتماعی و مسئولیت مشترک افراد بشر را از بدیهیات می‌شمارد. از این اصل وظایف خاصی استنتاج می‌شود که اگر حتی صورتی حقوقی به خود نگیرد، باز از وجدان درونی فرد مدد می‌طلبد (بوزار، ۴۲). فرمان دادن به معروف و بازداشتن از کار ناشایست، امری فزاینده از واجبات و محرّمات شرعی است، چنان‌که برخی از عالمان چون شیخ طوسی برای حاکمان دادگر گفته‌اند اگر به دو شرط پای‌بند باشد شایسته همکاری خواهد بود؛ یکی به جا آوردن امر به معروف و نهی از منکر و دیگر توزیع خمس و صدقه به مستحقان آن و حتی وی با سید مرتضی در این رویکرد هم‌داستان است که اگر حاکمی مشروع بود، یعنی به اصل پیش‌گفته پای‌بند بود همکاری با او پسندیده است (کوک، ۴۱۹-۴۲۱). بر این اساس می‌توان فاصله میان امر به واجبات و نهی از محرّمات را با امر به معروف و نهی از منکر به درستی دریافت.^۲

1. Marcel Boisard

۲. در متون اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر در عرض دیگر واجبات، مثل نماز و روزه و... آمده‌است، طبعاً نمی‌تواند در طول آن‌ها قرار گرفته و برای تحقق آن‌ها به کار گرفته شود. به زعم این نوشتار، مصداق آن باید چیزی غیر از واجبات و محرّمات که خود رانه مشخصی دارند، باشد. اگر امر به معروف و نهی از منکر بخواهد برای اعمال دیگر واجبات و محرّمات دارای حکم به کار آید، پس خود آن نیز مشمول آن خواهد شد که تسلسلی نامعقول پیش خواهد آمد.

جامعه برای آن که بستری برای زیست جمعی، مایه آرامش و سعادت آفرین باشد، نیازمند نظمی مبتنی بر آیین‌ها و ضوابط و سنت‌هایی است که همگان آن را پذیرفته پای بندی خود را به آن نشان دهند. بنابراین تا زمانی که امری عرفی نباشد یا عرفی نشود (در زمره معروف قرار نگیرد= مقبولیت نیابد)، تأثیرگذاری اجتماعی نخواهد داشت و اگر مورد طرد جامعه واقع شود، به آن معناست که در ایجاد زمینه مناسب زندگی اجتماعی ناکارآمد است و آن چه در ادبیات دینی - ارزشی از آن با عنوان منکر یاد می شود، از همین منظر معناپذیر می شود و مراد از آن کنش‌ها و چیزهایی است که از سوی جامعه، نه دین و شریعت، انکار و طرد شده است.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۶۴

امر به معروف و نهی از منکر در ادبیات قرآنی به شدت مورد تأکید قرار گرفته است، با این دیدگاه که اگر مسلمانان به آن عمل کنند، برترین امت‌ها خواهند بود.^۱ رسول اکرم نیز فرمود: اگر امت از انجام آن سرباز زنند و کوتاهی کنند عذاب الهی در انتظارشان است (کلینی، ۵۹/۵). امام علی علیه السلام هم در وصیت‌نامه خود بر این نکته پای فشرده‌اند که لا تُتْرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَوَلَّى عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ (نهج البلاغه، ۹۷۸؛ مجلسی، ۴۰۶/۷۴). هم چنین فرمود: تمام کارهای نیک حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون آب دهان است در برابر دریای پهناور (نهج البلاغه، کلام: ۳۷۴).

در کاربست این عنصر، چنان‌که در فقه شیعی آمده، شرایطی ملحوظ است که بدون تأمین آنها نمی توان یا نباید دست به امر به معروف زد.^۲ امامان اجرای این اصل را، برخلاف تصور رایج در زمان ما، متوجه حاکمان، سردمداران و امیران می دانستند نه مردمان عادی، چنان‌که شرایط این اصل نیز آن را نشان می دهد (منتظری، ۶۰/۱). خمینی به استناد روایتی

۱. كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (آل عمران/۱۱۱).

۲. شرایط امر به معروف و نهی از منکر که برخی به فاعل، برخی به مخاطب و دسته ای به جامعه بر می گردد، در پنج مورد قابل تخیل است؛ آشنایی امر و ناهی، به معروف و منکر و یقین به وجوب معروف و حرمت منکر و ایمن از اشتباه خود. دوم احتمال عقلایی تأثیر امر و نهی. سوم اصرار تارک واجب و فاعل حرام به انجام واجب و منهی عنه. چهارم ثبوت و تنجز واجب بودن معروف و حرام بودن منکر در حق فاعل و نداشتن عذر در ارتکاب. پنجم نبود مفسده و ضرر در امر و نهی. رک: کتب توضیح المسائل، باب امر به معروف و نهی از منکر.

بر این نکته تأکید می‌کند که "اگر امر به معروف و نهی از منکر به خوبی اجرا شود دیگر فریض قهرا برپا خواهد شد... ظلمه و عمالشان نمی‌توانند اموال مردم را بگیرند و به میل خود صرف کنند و مالیات‌های مردم را تلف نمایند. امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به اسلام و رد مظالم و مخالفت با ظالم می‌کند. عمده وجوب امر به معروف و نهی از منکر برای این امور است. ما امر به معروف و نهی از منکر را در دایره کوچکی قرار داده و به مواردی که ضررش برای خود افرادی است که مرتکب می‌شوند، یا ترك می‌کنند محصور ساخته‌ایم. در اذهان ما فرورفته که منکرات فقط همین‌هایی هستند که هر روز می‌بینیم یا می‌شنویم. مثلاً اگر در اتوبوس نشسته‌ایم موسیقی گرفتند، یا فلان قهوه‌خانه کار خلافی را مرتکب شد، یا در وسط بازار کسی روزه خورد منکرات می‌باشد و باید از آن نهی کرد! و به آن منکرات بزرگ توجه نداریم؛ آن مردمی را که دارند حیثیت اسلام را از بین می‌برند حقوق ضعفا را پایمال می‌کنند و ... باید نهی از منکر کرد (خمینی، ۱۱۸).

برجسته‌ترین کاربرد امر به معروف و نهی از منکر که در میان معتزله به عنوان یکی از اصول عقیدتی به‌شمار است،^۱ در سیره امام حسین علیه السلام دیده می‌شود که در مواجهه با دستگاه حاکمیت یزید، در بیانی صریح، هدف خود را اجرای این امر آسمانی ذکر کرده، می‌گوید: من برای اصلاح امت رسول خدا برخاستم و غرضی جز امر به معروف و نهی از منکر ندارم (ابن اعثم، ۲۱/۵ و مجلسی، ۴۴/۳۳۰). این حرکت البته از سوی دیگر ائمه نیز به گونه‌هایی دنبال می‌شد و به تعبیر مطهری، اشتباه است اگر ما خیال کنیم روش سایر ائمه با روش امام حسین در این جهت اختلاف و تفاوت داشته است... تفاوت در این است که شکل مبارزه فرق می‌کند... ما می‌بینیم همه ائمه اطهار این افتخار را دارند که در زمان خودشان با هیچ خلیفه جوری سازش نکردند و همیشه در حال مبارزه بوده‌اند (مطهری، ۱۷۰-۱۷۱).

بدیهی است اجرای این اصل برای حاکمان خودکامه نمی‌توانست پسندیده باشد، چون مانع دست‌اندازی‌ها و قانون‌گریزی‌های آنان می‌شده است، چنان که عبدالملک مروان، در سال ۷۵ هجری، پس از آن که ابن زبیر را به قتل رساند، در خطبه‌ای در شهر مدینه، پس از

۱. اصول معتزله پنج تاست: توحید، عدل، منزله بین المنزلتین، اثبات وعید و امر به معروف و نهی از منکر. اینان امر به معروف و نهی از منکر را تابع شرائطی، چون امکان و قدرت، به زبان، دست و شمشیر واجب می‌دانند (اشعری، ۲۷۸).

حمد و ستایش خداوند و وصف خویش به شجاعت و صراحت و توانایی، گفت: به خدا قسم هیچ کس مرا به تقوای الهی فرمان نمی دهد، جز این که گردنش را می زنم! (عسکری، ۲۵۰). حساسیت نسبت به اعمال دیگران، در نگاهی دیگر از سطح احساس تکلیف و مسئولیت اجتماعی نسبت به مدیریت جامعه پا فراتر نهاده - به مثابه عنصری عاطفی و خانوادگی نقش آفرینی می کند. در این نگاه، آن چه افراد را نسبت به هم، متعهد و مسئول می سازد، رابطه انسانی و هم خانواده انگاری است که در فرهنگ اسلامی با اصل تواصی نشان داده می شود. در تواصی نوعی احساس پیوند ریشه ای دیده می شود و از فرد مسلمان خواسته می شود تا هم کیش و شهروند خود را به حق، یعنی امر ثابت انکارناپذیر و صبر فراخواند. بر اساس داده قرآنی، انسان اساساً در خسران است (والعصر، ۱)، چون این غریزه شهبانی و مادی گرایانه اوست که بر وی غلبه دارد و با جاذبه بیشتری که دارد انسان را به سوی کژی می کشد، جز آن دسته از آدمیانی که به خدای بزرگ ایمان دارند و به حکم ایمان خود، به رفتار درست و صالح روی می کنند و حاصل آن احساس وظیفه انسانی و متقابل افراد مؤمن نسبت به یکدیگر است که در تواصی به حق و تواصی به صبر بروز می یابد. به بیان دیگر، تواصی به حق که پیامد ایمان به خداست، در حوزه امور بنیادی و زیرساخت های فکری، یعنی عقاید و باورها است که همه فعالیت های بشری بر آن استوار است (طبرسی، ۴/۵۳۴). بدیهی است امام، در فهم شیعی هر دو مأموریت را در دستور کار خود دارد؛ هم در اصلاح اندیشه ها و باورها می کوشد و هم در ترغیب آدمیان به تبعیت از احکام دینی. امام حسین علیه السلام به دو اصل پیش گفته اشاره فرموده، اقدام خود را ترغیب حق گرایی، و گریزانیدن از باطل گروی (طبری، ۴/۳۰۴) و نیز سیر بر اساس سیره پیامبر (ابن شهر آشوب، ۳/۲۴۱) ذکر می کند.

پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۶۶

۳. ترویج معنویت دین محور با ابزار دعا و نیایش

دعا گرچه در نگاه اولیه وسیله ای برای ارتباط شخصی انسان با خدا شمرده می شود، اما در فضای بسته سیاسی و جامعه استبدادزده که در آن امکان فعالیت های فرهنگی و اجتماعی آشکار فراهم نیست، به عنوان راه کاری شایسته برای هدایت آدمیان به سوی حقیقت و بازداري شان از کژی ها کارآمدی دارد. این شیوه بیش از همه در سیره امام سجاد علیه السلام دیده می شود. آن حضرت که در دوره بحرانی و اختناق آلود پس از عاشورا

می‌زیست، با بهره‌گیری از حربه دعا، به بیان عالی‌ترین عقاید، اخلاقیات و ارزش‌های اجتماعی پرداخت و سیاست خود را بر فعالیت اعتقادی و فرهنگی گذارد و با زبان و ادبیات کمتر گزنده، در صدد بیدارسازی مردم برآمد. امام در قالب نیایش و دعا، کوشید تا عالی‌ترین مفاهیم اسلامی را به زیباترین وجه تبیین سازد و باورهای مردم را درباره خدا، پیامبر، معاد و اخلاق سامان دهد. از پس وی این رویکرد تداوم یافت و هم‌چنین مقوله تعلیم دانش نیز در دستور کار قرار گرفت و دوران دو امام باقر و صادق علیهما السلام با این رویکرد پیش رفت و برای اولین بار مسأله ضرورت تقیه پیدا شد، چرا که زمانه از اظهار هر گونه سخن صریح حق ممانعت می‌کرد، پس باید به راه‌کنشی موثر دیگری روی آورده می‌شد. افرادی که در دوره این دو امام آموزش دیدند و در پالایش فرهنگ رایج و احیای فرهنگ اصیل الهی-نبوی گام‌های بلندی برداشتند، تا جایی که برخی از بزرگان فقهی اهل سنت از این خرمن بهره‌ها بردند. دوره امام کاظم علیه السلام نیز گرچه به مانند دوران دو امام پیشین نبود، اما ایشان نیز چون پیشینیان، بیشتر بر وجه معنوی، اعتقادی و فرهنگی تأکید داشتند.

کار این پیشوایان البته با مشکلات زیادی همراه بود، اما تعلقشان به خاندان رسول الله، تا حدی بر حرف‌شنوی مردمان از آنان اثرگذار بود. هرچند از زمان امام باقر علیه السلام، فاصله‌ای زمانی تا زمان پیامبر پدید آمده بود، ولی تلاش و تبلیغ عباسیان در انتساب خود به پیامبر با شعار الرضا من آل محمد (مجهول، ۱۹۴؛ بلاذری، ۴/۱۲۸)، نام خاندان واقعی آن حضرت را ناخواسته، از نو بر سر زبان‌ها انداخت و در دل‌ها شکوفان کرد و تبلیغات تحدیدی و تهدیدی امویان را که فضای تاریک و مبهمی ایجاد کرده و طرح حقیقت از زبان آل البیت را اندکی سخت کرده بود، تا حدی از بین برد، بنابراین، در دوره این پیشوایان، نوعی گرایش عمومی به سویشان ایجاد شد و بستر مناسب‌تری برای فعالیت‌های رهبرانه‌شان فراهم گردید.

۴. آموزش ارزش‌ها و پرورش درست

مؤثرترین راهکار برای اصلاح جامعه، آگاهی بخشی به انسان‌ها و آشناسازی آنان با معارف متعالی از طریق تعلیم و تربیت باشد، نه تبلیغات صرف که عملی هیجانی و تا حدی مقطعی است. ائمه هر چند از تبلیغ نیز به‌خوبی بهره برده، در جلسات محدود، خانگی و گاه مجامع بزرگ به آن روی داشتند، اما چون این راه‌کار بیشتر جنبه اقتناع‌کنندگی

عاطفی و روانی داشت، می کوشیدند تا با آموزش روشمند و اصولی به تبیین دین و اصلاح جامعه بپردازند، به ویژه امام باقر و امام صادق علیهما السلام که برای پاسخ گویی به نیازهای بنیادین و روزآمد، در حوزه های عقیدتی و فکری، مقولات فقهی و شریعت، ساحت اخلاق و ارزش ها و دیگر حوزه های علمی، با برگزاری مجالس گفت و گو و مناظره، بیش از دیگران به آموزش روی داشتند و از این طریق آثار حدیثی و علمی درخوری برجای نهادند دانشمندان زیادی را پرورش دادند. البته دیگر ائمه نیز به این راه کار توجه داشته اند، خصوصاً امام رضا علیه السلام از روش مناظره به خوبی استفاده می کرد،^۱ اما امام باقر و امام صادق علیهما السلام به حکم موقعیت زمانی که در آن قرار گرفته بودند، بیش از دیگر پیشوایان فرصت گفتگوهای علمی و آموزشی یافتند، به همین سبب بیشترین روایات مذهبی در حوزه های مختلف اخلاقی، فقهی، عقیدتی و اجتماعی از آنان است و به گفته علامه طباطبایی، احادیثی که از آن دو مأثور است، از مجموع احادیثی که از پیغمبر اکرم و ده امام دیگر ضبط شده، بیشتر است (طباطبایی، ۱۴۰). در پرتو همین داده ها، گذشته از این که نیازهای جامعه شیعی پاسخ گرفت، تبیینی از مفهوم و جایگاه امامت نیز عرضه شد که منشأ رویکرد جدیدی در فرهنگ شیعی گردید (نک. جعفری، ۳۲۷، ۳۲۸؛ مدرسی طباطبایی، ۳۴ به بعد). مهم ترین راه کارهایی که در آموزش و تعلیم ائمه به چشم می خورد، دادن الگوی روش فهم صحیح حقیقت بود که در همه ادوار دیگر مورد پیروی قرار گرفت.

معیار انگاری قرآن و سنت. در تفکر شیعی، قرآن و سنت قطعی پیامبر صلی الله علیه و آله معیار پذیرش حق و باطل و ملاک تعامل آدمیان با یکدیگر است. بر اساس سخنی از امام رضا علیه السلام، آن چه از آنان ذکر می شود نباید قطعی قلمداد شود، بلکه پس از عرضه به قرآن و سنت، در صورت سازگاری با آنها پذیرفته شود (مجلسی، ۲/ ۲۵۰). چنان که دانسته است بیشترین مشکلات جوامع اسلامی و ناهنجاری های اجتماعی برخاسته از کژاندیشی های متدینانه است که عموماً بر روایات ناپای مند و برساخته استوار است، اما تمسک به معیار پیش گفته بسیاری از مسائل را حل می کند. پیشوایان به تأکید گفته اند هر سخنی که به عنوان

پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۶۸

۱. رک: برخی از مناظره های امام رضا علیه السلام (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۲/ ۱۶۲).

حدیث از آنان نقل می‌شود، قابل اعتماد نیست، بلکه باید با معیار صحیح سنجیده شوند و با فرض عدم سازگاری به دور افکنده شوند (کلینی، ۱/۶۹؛ صدوق، المقنع، ۴۵۷).

بهره‌گیری از عقل و اهتمام به آن. اهتمام به عقل در فرهنگ اسلامی، به ویژه در مکتب شیعی و بهره‌گیری از آن در همه ساحات دینی، حتی در استنباط احکام شرعی (مغنیه، ۳۶۵، ۶) روشن‌تر از آن است که نیازمند استدلال و اقامه دلیل باشد. کتاب‌های حدیثی شیعی، عموماً با کتابی با عنوان العقل و الجهل آغاز شده‌اند که نشان‌دهنده پایه‌ای بودن آن است. امام علی علیه السلام بعثت انبیا را برای برانگیختن و بیدار کردن عقول بشری دانسته (نهج البلاغه، خطبه ۱) و امامان شیعه نیز بر خردورزی و استفاده از عقل تأکید داشتند (صدوق، الخصال، ۵۸۹) و همین امر موجب گردیده تا بیشترین عقل‌گرایان و فیلسوفان از میان این مذهب برخیزند (نک. طباطبایی، ۵۸ به بعد). عقل‌اندیشی و توصیه به آن نقطه مقابل نقل‌گرایی است که حاکمان بر آن اصرار می‌وزیدند. اقبال لاهوری می‌گوید: حکمرانان که چندان به عقل‌گرایی دل ندارند، چون لازمه آن پرسش‌گری و طرح چندوچون‌های بنیادین است و چنین چیزی با تعلقات و انتظارات آنان نمی‌سازد، به‌همین سبب آنان به نقل‌گرایی که نتیجه‌اش مقلدپروری، سلم و پذیرش است، بیشتر روی دارند و بر آن پا می‌فشرند (لاهوری، ۱۷۱).

جامعه عقل‌گرا و پرسش‌گر، راه و رسم درست و انسانی را بر کرسی می‌نشاند و مانع خودسری، استبداد و مرجعیت دروغین قدرتمندان می‌شود.

جامع‌نگری به دین و پرهیز از ابزارنگری. غایت اساسی دین، به تعبیر عبده، آن است که انسان را پاک‌دل و بزرگ‌منش گرداند و با رها کردن او از چنگ هوس‌های پلید، نه تنها رستگاری او را در جهان دیگر بلکه بهروزی و آسایش او را در این جهان تضمین کند (عنایت، ۱۴۴). دین برای زیستن برین و ایجاد تلائم بیشتر در جامعه است نه مایه تنش و جدایی. اگر دین از زاویه تنگ منافع شخصی نگریسته شود و از خویشتن فردی یا اجتماعی یا سیاسی آدمی درنگردد، به تحریف و معوج‌سازی آن می‌انجامد، اما ائمه بی‌دغدغه شخصی به تبیین دین می‌پرداختند، حتی اگر به کاهش اطرافیان‌شان می‌انجامید. امام علی علیه السلام می‌فرماید: نَحْنُ التَّمَرُّقَةُ الْوُسْطَىٰ بِهَا يَلْحَقُ التَّالِي وَ إِلَيْهَا يَرْجِعُ الْعَالِي

(نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹). بر همین اساس امام باقر علیه السلام در توصیه ای به پیروانش می گوید: ای گروه شیعه، ای شیعه آل محمد! چون تکیه گاه (متکا) میانه باشید تا غالیان به سوی شما برگردند و تالی ها (جویندگان) به شما بپیوندند. مردی از انصار به نام سعد، پرسید: فدای تو گردم، غالی چیست؟ گفت: دسته ای که درباره ما چیزهایی می گویند که ما درباره خویش باور نداریم و نمی گوییم، پس اینان از ما نیستند و ما از آنان نیستیم. پرسید: تالیان چه کسانی اند؟ فرمود: ایشان در جستجوی خیرند و به آن می رسند و بر آن پاداش داده می شوند [اما آگاهی کامل ندارند] (کلینی، ۷۶/۲؛ قاضی نعمان، ۵۰۲/۳). سپس امام به مخاطبان روی کرد و گفت: به خدا قسم، با ما از طرف خداوند برائتی وجود ندارد، بین ما و خدا قرباتی نیست و ما بر خداوند حجتی نداریم^۲ و ما تنها با طاعت به خداوند تقرب می جوئیم، پس هر کس از شما مطیع خداوند باشد، ولایت و دوستی ما به کارش می آید و هر که به خدا عصیان کند، ولایت ما به دردش نمی خورد، وای بر شما که غره شوید، وای بر شما که غره شوید [از این که شیعه ما هستید]. از همین منظر امام صادق علیه السلام بر آن است که بنی امیه آموزش ایمان را برای مردم آزاد گذاشتند، اما تعلیم شرک را نه، چون با این کار می خواهند مردم آنان را نشناسند (کلینی، ۴۱۶/۲؛ طبرانی، ۱۵۲/۸).^۳ اگر مسلمانان به درک درست و جامع دیانت اسلامی توفیق یابند، به ترفندهای حکومتگرانی چون امویان دل نمی دهند و تسلیم آموزه های آنان نمی شوند.

واقعیت آن است که سیاست مداران خودخواه و قدرت مداران اموی و عباسی، از دیانت آن چه را مایه تحکیم موقعیت و توجیه کننده رفتارشان بود می جستند (استفاده ابزاری از دین) و از پرداختن به آن چه موجب آگاهی مردم می شد پرهیز داشتند، همان طور که دیگر مستبدان تاریخ چنین بوده اند. عبدالرحمن کواکبی به زیبایی این رویکرد را برنموده و آورده است: مستبد از علوم دینی که متعلق به معاد است بیم ندارد، چه معتقد است که آن علم ابلهی را برنگیرد و پرده بر ندارد... بلی علمی که بندهای مستبد از آن همی لرزد، علوم

۱. گفته اند النمرقة الوسطی، آن و ساده ای است که در میانه مجلس قرار گرفته، بزرگان بر آن تکیه می زنند و همگان بدان متوجه اند. در این جا، مراد میانه روی و الگو بودن است (رک: مازندرانی، ۲۴۷/۸).
۲. امتیاز متفاوتی برای ما وجود ندارد که بتوانیم بر خلاف ناموس الهی کاری بکنیم.
۳. إن بني أمية أطلقوا للناس تعليم الايمان و لم يطلقوا تعليم الشرك لكي إذا حملوهم عليه لم يعرفوه.

زندگانی می‌باشد، مانند حکمت نظری، حقوق امم، سیاست مدنی، تاریخ مفصل، خطابه ادبیه و غیر این‌ها از علومی که ابرهای جهل را بردارد و آفتاب درخشان طالع نماید تا سرها از حرارت بسوزد... (کواکبی، ۷۲).

دوری از مرء و خود برترنمایی؛ به میزان تأکیدی که در زبان ائمه شیعه بر مناظره رفته، از مرء نهی شده است. در مناظره، اصل اولی کشف حقیقت یا انتقال آن است، که با احترام و رعایت حقوق مخاطب، متکی بر آداب و اخلاق انسانی و با قصد نیک‌خواهی است، اما اگر مجادله‌ای برای اسکات خصم یا غلبه بر او، یا تخریب مخاطب و یا اشتها باشد، نه تنها امری شایسته نیست، بلکه سخت مذموم و حقیقت‌سوز است، از این رو در سنت اسلامی با عنوان «مرء» مورد انکار قرار گرفته است (نک. مجلسی، ۱۳۸/۲ به بعد). در تفکر شیعی، با این که طلب علم از اهمیت بالایی برخوردار است، تا جایی که امام سجاد علیه السلام می‌فرماید اگر مردم آن چه را در طلب علم وجود دارد می‌دانستند، با جان‌فشانی و خطر کردن آن را می‌جستند (ابن ابی‌جمهور، ۶۱/۴؛ مجلسی، ۱۷۷/۱)، اما اگر به قصدی غیرعالمانه و بانگیزه‌های غیرارزشی باشد، مطرود و مذموم است. عبدالسلام هروی از امام صادق علیه السلام آورده است: هر کسی علمی را بیاموزد تا به مرء با سفهاء برخیزد یا بر عالمان فخر بفروشد یا از طریق آن جمعی را به سوی خویش بخواند و مقبولیت مردمی پیدا کند، در آتش خواهد بود (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱/۲۷۵). نیز با ورع‌ترین مردم کسی دانسته شده که از مرء پرهیخته است هر چند بر حق بوده باشد (صدوق، الامالی، ۷۳) و ترک مرء نشان ورع و فروتنی دانسته شده است (کلینی، ۱۲۳/۲)؛ خاصه از آن رو که مرء و خصومت قلب‌های انسانی را در مواجهه با برادران دینی از بین برده نفاق را می‌رویاند (کلینی، ۳۰۰/۲) و این با صلاح و قوام جامعه انسانی نمی‌سازد.

نتیجه

رهبران شیعی برابر وظیفه الهی و مأموریت دینی، به اصلاح جامعه و مبارزه با ناهنجاری‌ها روی کردند و با درپیش گرفتن راه‌کارهایی به پیمودن این مسیر اهتمام ورزیده‌اند. آن چه بیش از همه در سیره اصلاحی آنان جلب نظر می‌کند، کاربست روش‌های ملایم و متلائم با شأن و شخصیت انسانی است؛ کنش‌گری‌هایی که سنجه

اصالت و اساس ارزش‌یابی دیانت اسلام - به عنوان دین برتر - در گرو آن است؛ چون برابر آموزه‌های اسلامی، دینی دارای اعتبار است که با سماحت و تساهل همراه باشد. پیشوایان با در نظر داشت اصولی چون اعتدال و میانه‌روی، توجه به ظرفیت و سعه آدمی، اعتنا به زندگی دنیایی، عنایت به ارزش جماعت و جامعه، و نیز اصل اختیار نسبی انسان، به اصلاح و هدایت جامعه پرداخته با راه‌کنش‌هایی چون خودسازی پیش از دیگر سازی، امر به شایسته و نهی از ناشایسته، نفوذ معنوی با دعا و نیایش و در نهایت آموزش و پرورش درست پیش رفتند تا امکان زیست مسالمت‌آمیز و برین برای همگان فراهم شود.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۷۲



منابع

- قرآن مجید
- نهج البلاغة، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۸ ش.
- ابن ابی جمهور، محمد بن علی، عوالی اللثالی، تحقیق مجتبی تهرانی، قم، سید-الشهداء، چاپ اول، (۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م).
- ابن اعثم کوفی، احمد، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاضواء، چاپ اول، ۱۴۱۱.
- ابن حنبل، احمد، مسند، بیروت، دار صادر، بی تا.
- ابن شهر آشوب سروری، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف اشرف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۷۶ ق/ ۱۹۵۶ م.
- اشعری، ابوالحسن، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، آلمان، فرانتس شتاینر، چاپ سوم، ۱۴۰۰.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، کتاب جمل من انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق/ ۱۹۹۶ م.
- بوزار، مارسل، انسان دوستی در اسلام، ترجمه محمد حسین مهدوی و غلامحسین یوسفی، تهران، انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۶۱ ش.
- بیضون، لیب، تصنیف نهج البلاغة، تهران، مرکز النشر الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۸.
- جعفری، سید حسین محمد، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۶ ش.
- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳/۱۴۰۴ ش.
- خامنه‌ای، سید علی، انسان ۲۵۰ ساله، تهران، مؤسسه جهادی، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۱ ش.
- خمینی، سید روح الله، ولایت فقیه حکومت اسلامی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۵.
- صدر، سید محمد باقر، اهل البيت تنوع ادوار و وحدة هدف، تهران، موسسه البعثة، ۱۳۸۲ ش.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۷۳

- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تصحیح شیخ حسین اعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴.
- صدوق، محمد بن علی بن ابن بابویه قمی، الهدایه، قم، موسسه الهادی، ۱۴۱۸.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، النخصال، تعلیق علی اکبر غفاری، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، المقنع، قم، مؤسسة الامام الهادی، ۱۴۱۵.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، الامالی، قم، موسسه البعثه، ۱۴۱۷.
- طباطبایی، سید محمد حسین، شیعه در اسلام، تهران، انتشارات کعبه، ۱۳۶۱ ش.
- طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، تحقیق احمدی عبدالمجید سلفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۹۸۵/۱۴۰۵ م.
- طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ش.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۳/۱۴۰۳.
- طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم، دارالثقافة للطباعة و النشر والتوزیع، ۱۴۱۴.
- عسکری، ابوهلال محمد بن عبدالله، الاوائل، تحقیق محمد سید وکیل، طنطا، دارالبشیر، ۱۹۸۷/۱۴۰۸.
- عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران، سپهر، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ش.
- قاضی نعمان مغربی، نعمان بن محمد تمیمی، شرح الاخبار، تحقیق سید محمد حسین حسینی، قم، مؤسسة النشر الاسلامیه التابعة لجماعة المدرسین، چاپ دوم، ۱۴۱۴.
- الکعبی، علی عطیه، همزیستی مسالمت آمیز میان ادیان آسمانی، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد، بنیاد پژوهشهای استان قدس رضوی، ۱۳۹۶ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، تعلیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.

پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۷۴

- کواکبی، عبدالرحمن، طبایع الاستبداد و مصارع الاستعباد، ترجمه عبدالرحمن میرزای قاجار، تصحیح محمدجواد صاحبی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۳ش.
- کوک، مایکل، شایست و ناشایست در اندیشه اسلامی، ترجمه محمد حسین ساکت، تهران، نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۴ش.
- لاهوری، محمد اقبال، احیای فکر دینی در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، رسالت قلم، بی تا.
- مازندرانی، ملا صالح، شرح اصول الکافی، تعلیق ابوالحسن شعرانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱.
- متقی هندی، علاء الدین علی، کنز العمال، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۹.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار ائمه الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۳.
- مجهول، اخبار الدولة العباسیه، تحقیق عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار المطلبی، بیروت، دارالطبعه، ۱۳۹۱.
- مدرسی طباطبایی، سید حسین، مکتب در فرایند تکامل، ترجمه هاشم ایزد پناه، تهران، انتشارات کویر، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
- مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۶ش.
- مغنیه، محمد جواد، فقه الامام جعفر الصادق، قم، موسسه انصاریان، ۱۳۷۹ش.
- منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایة الفقیه، قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
- واسعی، سیدعلیرضا، راهبردهای ائمه در مواجهه با ناهنجاریها، قم، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴ش.
- وایتهد، آلفرد نورث، سرگذشت اندیشهها، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰ش.

پژوهشنامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۷۵

